

رابطه بین صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی با میانجی‌گری طرحواره های ناسازگار اولیه

Relationship between personality traits and mental well-being mediated by early maladaptive Schema

Dr Sadegh Taghiloo

Assistant Professor, Department of psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Gita Alipour*

Ph.D. student, Department of psychology, Faculty of Humanities, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
alipourgita@gmail.com

دکتر صادق تقی لو

استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد کرج

گیتا علی پور نویسنده مسئول

دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت

Abstract

Today, the quantity and the quality of life due to the vast dimensions of health, defined and The order of the number of years that life satisfaction and happiness and strive for better and better and more productive life and be a breakthrough. Therefore, the present study was conducted with the aim of investigate the role of mediator of maladaptive schemas in relation between personality traits and subjective well-being. This cross-sectional study was performed on 366 (171 boys) students from the undergraduate students of Qazvin Islamic Azad University in 2015 that were selected by selecting by multi-stage of cluster sampling method. The YSQ-75 maladaptive schemas (Yang, 1993), BFI-44 personality trait questionnaire (John, Donaho and Contel, 1991), and the subjective well-being Questionnaire (Keeyes, Shamutian, and Riff, 2002) were used. . Data were analyzed by structural

چکیده

امروزه کیفیت زندگی در مقابل کمیت قرار گرفته و با توجه به ابعاد گسترده سلامتی، تعریف می‌شود و منظور از آن، سال‌هایی از عمر است که با رضایت، شادکامی، تلاش برای زندگی مطلوب و دستیابی به موفقیت‌ها همراه باشد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مطالعه نقش میانجی‌گر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی انجام شد. این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۴ بر روی ۳۶۶ نفر (۱۷۱ پسر) از دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انجام شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب شدند. پرسشنامه‌های طرحواره ناسازگار اولیه **YSQ-75** (یانگ، ۱۹۹۳)، پرسشنامه صفات شخصیت **BFI-44** (جان، دوناهو و کنتل، ۱۹۹۱)، و مقیاس بهزیستی ذهنی (کییز، شمویتین و ریف، ۲۰۰۲) مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. نتایج

equation modeling. The results showed initial schema latent variables and personality traits in a total of 47 percent of the variance in subjective well explain. It was also found that extraversion and neuroticism are significant positive and negative predict subjective well-being. In addition, the results showed early maladaptive schema positive relationship between compatibility and subjective well-being, The relationship between neuroticism and subjective well-being in a negative and positive relationship between extraversion and subjective well-being for the mediation. Conclusion The results can be used with the original schema is probably a key role in the relationship between personality traits and mental well-being plays o with improvement schemes can increase people's subjective well-being and help prevent disorders and psychopathology.

Keywords: Early Maladaptive Schema, Personality Traits, Subjective Well-being.

تحلیل داده‌ها نشان داد متغیرهای مکنون طرحواره-های ناسازگار اولیه و صفات شخصیت در کل ۴۷ درصد از واریانس بهزیستی‌ذهنی را تبیین می‌کنند. همچنین ملاحظه شد که برونگرایی به صورت مثبت و معنادار و روان‌رنجورخویی به صورت منفی و معنادار بهزیستی‌ذهنی را پیش‌بینی می‌کنند. بعلاوه نتایج نشان داد طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین سازگاری و بهزیستی‌ذهنی را به صورت مثبت، رابطه بین روان‌رنجورخویی و بهزیستی‌ذهنی را به صورت منفی و رابطه بین برونگرایی و بهزیستی‌ذهنی را به صورت مثبت میانجی‌گری می‌کند. با نتایج بدست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که احتمالاً طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش اساسی در رابطه بین صفات شخصیت و بهزیستی‌ذهنی ایفا می‌کند بنابراین با بهبود طرحواره‌ها می‌توان افراد را در افزایش بهزیستی‌ذهنی و پیشگیری از اختلالات و آسیبهای روانی یاری رساند.

کلید واژه: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، صفات شخصیت، بهزیستی‌ذهنی

مقدمه

بهزیستی‌ذهنی^۱ یک شاخص روانشناختی، سلسله‌مراتبی و چند بعدی است که از دو وجه شناختی و عاطفی تشکیل شده است: مؤلفه رضایت از زندگی وجه شناختی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت و عدم حضور عاطفه منفی وجه عاطفی آن می‌باشد (کییز، شموتین و ریف^۲، ۲۰۰۲). مطالعه بهزیستی‌ذهنی از آن جهت حائز اهمیت است که گارسیا و ارلندسون^۳ (۲۰۱۱) آن را هدف نهایی مردم تلقی می‌کنند. نتایج یافته‌های اخیر نشان می‌دهد افرادی که شادکامی آنها در سطح مطلوبی قرار دارد، دنیا را مکانی امن می‌بینند،

1. Subjective Well-Being

2. Keyes & Shmotkin & Ryff

3. Garcia & Erlandsson

آسان تر تصمیم می گیرند، مشاغل مورد علاقه را می یابند، حس همکاری و کمک به دیگران دارند و اطلاعات محرک ها را به گونه ای تعبیر و تفسیر می کنند که منجر به شادکامی آنها می شود (اگان، چان و شورتر^۱، ۲۰۱۴). براین اساس می توان انتظار داشت که بهزیستی ذهنی نقش بسیار مهمی در سلامت جسمی و روانی داشته باشد (پلتزر و پنگ پید^۲، ۲۰۱۳).

یکی از مهم ترین پیش بینی کننده های بهزیستی ذهنی، صفات شخصیت^۳ است که گفته می شود به تنهایی ۳۹ تا ۶۳ درصد واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می کند (استیل، اشمیت و شولتز^۴، ۲۰۰۸). در همین راستا، استیل و همکاران (۲۰۰۸) در یک مطالعه جامع با روش فراتحلیل نشان دادند که بین چهار عامل روان رنجورخویی، برون گرایی، توافق و وظیفه شناسی و همه مؤلفه های بهزیستی ذهنی رابطه قوی وجود دارد. مطالعه دیگر، نقش عامل های برون گرایی و روان رنجورخویی را بیش از سایر صفات شخصیت در بهزیستی ذهنی مهم دانستند (لامرز، وسترهوف، کوواکز، بولمیجر^۵، ۲۰۱۲؛ رومرو، گومز و ویلار^۶، ۲۰۱۲). همسو با این یافته تقی لو و همکاران (۱۳۸۹) در یک مطالعه نشان دادند که علاوه بر دو عامل برون گرایی و روان رنجورخویی، عامل وجدان نیز به صورت معنادار بهزیستی ذهنی را پیش بینی می کند، همچنین بین عامل گشودگی در برابر تجارب و عامل عاطفه مثبت و کیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد. این یافته به صورت تلویحی نشان می دهد که با نادیده گرفتن عامل های گشودگی در برابر تجارب، وظیفه شناسی و توافق در تبیین بهزیستی ذهنی، علاوه بر هدر دادن اطلاعات مهم در آن حوزه، تصویر ناقصی از رابطه بین دو سازه صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی خلق می کند. علاوه بر صفات شخصیت، طحوازه های ناسازگار اولیه^۷ متغیر دیگری است که در سال های اخیر به منظور تبیین بهزیستی ذهنی، به وسیله پژوهشگران مورد توجه قرار گرفت است (کاجادوریان، فینچام و داویلا^۸، ۲۰۰۴). شاید عمده ترین دلیل توجه پژوهشگران به موضوع طحوازه ها آن است که طحوازه ها باورهای افراد نسبت به خود، دیگران و محیط هستند که از ابتدای زندگی شکل می گیرند و در طول عمر، زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهند (تیم^۹، ۲۰۱۱). اهمیت موضوع طحوازه های ناسازگار در تبیین بهزیستی ذهنی زمانی برجسته

1. Egan & Chan & Shorter

2. Peltzer & Pengpid

3. personality traits

4. Steel, Schmidt & Shultz

5. Lamers, Westerhof, Kovacs & Bohlmeijer

6. Romero, Gomez-Franguela & Villar

7. early maladaptive Schema

8. Kachadourian., Fincham & Davila

9. Thimm

می‌شود که بدانیم شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بین طرحواره‌ها و صفات شخصیت به عنوان یکی از اساسی‌ترین تعیین‌کننده‌های بهزیستی ذهنی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها (بهرامی احسان، بهرامی زاده، ۲۰۱۱؛ ساوا، ۲۰۰۹) نشان داد که سازگاری رابطه منفی با طرحواره‌ها دارد. از سوی دیگر پژوهش‌های (تیم، ۲۰۱۰؛ هالورسون، وانگ، ریچتر، میرلند، پترسند و همکاران^۱ و، ۲۰۰۹؛ منتظری، یداللهی باستانی و حسینی، ۱۳۹۱) بیانگر آن بود که همپوشی قابل توجهی بین صفت شخصیت روان-رنجورخویی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه وجود دارد. در همین راستا نتایج پژوهش‌های صورت گرفته (دندلیجان^۲، ۲۰۱۴؛ رنر، لوبستال، پیترز، آرنز و هوبرز^۳، ۲۰۱۲؛ بورنز، آنستی، ویدسور^۴، ۲۰۱۱؛ یوسف نژاد شیروانی و پیوسته گر، ۱۳۹۰) نیز نشان دادند که حضور طرحواره‌ها می‌تواند با کاهش بهزیستی ذهنی و افزایش اختلالات روانشناختی همراه باشد.

براساس شواهدی که به آنها اشاره شد، نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه به این دلیل مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته، که به عنوان یک پدیده شناختی در شکل‌گیری صفات شخصیت مؤثر است و می‌تواند ما را در شناخت منابع درونی بهزیستی ذهنی یاری رساند. از سوی دیگر به رغم نتایج مطالعات مختلف که نشان داده‌اند شخصیت یکی از اساسی‌ترین تعیین‌کننده‌های بهزیستی ذهنی است، اما مکانیسم تأثیر آن چندان روشن نیست (استیل و همکاران، ۲۰۰۸) در همین راستا نتایج پژوهش حاضر با بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی می‌تواند به روشن شدن مکانیسم ارتباط شخصیت و بهزیستی ذهنی کمک کند. از سوی دیگر، بر خلاف پژوهش‌هایی که متغیرهای مورد پژوهش (طرحواره‌های ناسازگار اولیه، صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی) را به صورت دو به دو مورد مطالعه قرار داده‌اند، پژوهش حاضر قصد دارد در قالب یک مدل، نقش میانجی‌گر طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در رابطه بین صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی مورد بررسی قرار دهد.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد قزوین بود. حجم نمونه پژوهش حاضر ۳۶۶ نفر (۱۹۵ دختر و ۱۷۱ پسر) از دانشجویان مقطع کارشناسی بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. حجم نمونه با توجه به

1. Sava

2. Halvorsen, Wang, Richter, Myrland, Pedersen, Eisemann, & Waterloo et al.

3. Dindelegan

4. Rennre, Lobbstaal, Peeters, Arntz & Huibers

5. Burns, Anstey & Windsor

کاربرد روش SEM نسبت حداکثر ۲۰ آزمودنی به ازای هر متغیر مشاهده شده ۲۴۰ نفر کافی بود اما از آنجا که روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نسبت به حجم نمونه حساس و افزایش آن با کاهش خطای نمونه‌گیری همراه است لذا ۴۰۰ نفر مورد آزمون قرار گرفتند که در نهایت داده‌های ۳۶۶ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از ۳۶۶ نفر شرکت کننده در این مطالعه ۹۸ نفر (۲۶/۸ درصد) بین ۱۸ تا ۲۰ سال، ۲۳۷ نفر (۶۴/۶ درصد) بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۳۱ نفر (۸/۶ درصد) بالاتر از ۲۵ سال سن داشتند. میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۲۲/۸۸ و ۴/۴۸ بود. پس از مشخص کردن تعداد نمونه ابزارهای پژوهش بصورت تصادف در اختیار نمونه پژوهش قرار گرفت. تحلیل داده‌ها از طریق روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار AMOS 7.0 صورت گرفت. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه. این پرسشنامه توسط یانگ (۱۹۹۳) ساخته شد. فرم کوتاه این پرسشنامه دارای ۷۵ گویه است. پرسشنامه از نوع خود گزارشی بوده و بر پایه یافته‌های اسمیت و همکاران به نقل از هوفارت، سکستون، هدلی، هاولند^۱ (۲۰۰۶)، شانزده طرحواره را در ۴ حوزه حوزه بریدگی^۲ (محرومیت هیجانی^۳، بازداری هیجان^۴، بی اعتمادی/بدرفتاری^۵، انزوای اجتماعی^۶، نقص^۷)، حوزه خودگردانی^۸ (اطاعت^۱، وابستگی^{۱۱}، شکست^{۱۲}، آسیب پذیری^{۱۳}، رها شدگی^{۱۴}، گرفتاری^{۱۵}، خویشمن دار ناکافی^{۱۶})، حوزه می‌گیرد. سؤالات دارای مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۶) می‌باشد.

هر پنج سوال این پرسشنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رئیس‌جمهور

1. Hoffart, Sexton, Hedley & Hovland
2. Disconnection
3. Emotional Deprivation
4. Emotonal inhibition
5. . Mistrust/Abuse
6. Deprivation
7. Defectiveness
8. Young Schema Questionnaire (YSQ-75)
9. Impaired Autonomy
10. Subjugation
11. Dependence
22. Failure
33. Vulnerability
44. Abandonment
55. Enmeshment
66. Insufficient Self- Control

محدودیت‌های مختل^۱ (خویشتنداری ناکافی، استحقاق^۲) و حوزه معیارهای اغراق‌آمیز^۳ (ایثار، معیارهای سرسختانه) اندازه مربوط به یک طرحواره است و برای بدست آوردن نمره طرحواره‌ها میانگین نمره در هر ۵ سوال محاسبه می‌گردد. در هر یک از طرحواره‌ها که نمره بیشتری کسب گردد؛ آن طرحواره بعنوان طرحواره ترجیحی در نظر گرفته می‌شود. رفیعی، حاتمی، فروغی (۱۳۹۰) در ایران ضریب اعتبار عامل‌های این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و بین ۰/۸۷-۰/۶۸ گزارش نمود. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد.

پرسشنامه صفات شخصیت^۴: پرسشنامه پنج عامل بزرگ، نیاز به اندازه‌گیری مؤلفه‌های اصلی پنج عامل شخصیت (روان‌رنجورخویی^۵، برونگرایی^۶، پذیرش^۷، سازگاری^۸، وظیفه‌شناسی^۹) از طریق عبارات کوتاه، جان، دوناو و کتتل، به نقل از کورتکو و هانا^{۱۱} (۲۰۰۴) را بر آن داشت تا پرسشنامه BFI را بسازند. این پرسشنامه امکان اندازه‌گیری مؤثر و منعطف ابعاد پنج گانه شخصیت را، وقتی که اندازه‌گیری متمایز وجوه فردی مد نظر نیست، فراهم می‌کند (کورتکو و همکاران، ۲۰۰۴). پرسشنامه پنج عامل، شامل ۴۴ سؤال کوتاه است که در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) پنج عامل (برونگرایی، روان‌رنجورخویی، سازگاری، وظیفه‌شناسی، پذیرش) را می‌سنجد، بطور میانگین هر عامل دارای ۸ سوال می‌باشد. کسب نمره بیشتر در هر عامل به منزله وجود احتمالی آن صفت در آزمودنی است. شکری، تقی‌لو، گراوند، پاییزی، مولایی، عبدالله‌پور، اکبری (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ برای عامل‌های، روان‌رنجورخویی، برونگرایی، پذیرش، سازگاری و وظیفه‌شناسی را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۰، ۰/۷۷، ۰/۵۶، ۰/۸۲ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل‌های روان‌رنجورخویی، برونگرایی، پذیرش، سازگاری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۹، ۰/۷۵، ۰/۷۱ و ۰/۷۷ به دست آمد.

-
1. Impaired Limits
 2. Entitlement
 3. Unrelenting Standards
 4. Self - sacrifice
 5. Bige Five I (BFI-44)
 6. Neuroticism
 7. extraversion
 8. openness
 9. Agreeableness
 10. conscientiousness
 11. Korotkove & Hannah

پرسشنامه بهزیستی ذهنی^۱: این پرسشنامه به وسیله کیزی و همکاران (۲۰۰۲) تهیه شده است و به ارزیابی عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی می‌پردازد. مؤلفه رضایت کلی از زندگی، به وسیله یک مقیاس تک سؤالی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت و منفی به ترتیب به کمک ۶ عبارت مثبت و منفی ارزیابی می‌شود. در این پرسشنامه، شرکت‌کنندگان باید میزان رضایت‌مندی خود از زندگی را در مجموع بر روی یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای از صفر (بدترین شرایط ممکن) تا ۱۰ (بهترین شرایط ممکن) مشخص نمایند. در مقیاس عاطفه مثبت شرکت‌کنندگان باید با استفاده از ۶ نشانگر از قبیل " بشاش"، " دارای روحیه خوب" و ... وضعیت خود را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از هیچ وقت (۱) تا تمام وقت (۵) مشخص نمایند. در مقیاس عاطفه منفی شرکت‌کنندگان وضعیت خود را در ۳۰ روز گذشته بر روی ۶ نشانگر " آنقدر غمگین‌ام که هیچ چیز نمی‌تواند مرا سرحال بیاورد"، " عصبی"، " ناآرام یا بی‌قرار" و ... بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از هیچ وقت (۱) تا تمام وقت (۵) مشخص می‌نمایند. شکری و همکاران (۱۳۸۶)، اعتبار عاطفه مثبت و عدم وجود عاطفه منفی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۳ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای عاطفه مثبت ۰/۸۳ و عدم وجود عاطفه منفی ۰/۸۰ به دست آمد.

یافته‌ها

قبل از تعیین و ارائه مدل پژوهش، لازم است تا ماتریس همبستگی میان متغیرهای مورد مشاهده پژوهش محاسبه شود. جدول ۱، ماتریس همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین متغیرها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. برون‌گرایی											
۲. سازگاری	۰/۱۲۵**										
۳. وظیفه‌شناسی	۰/۳۱**										
۴. روان‌رنجورخویی	۰/۲۱۸**	-۰/۱۴۷**									
۵. پذیرش	۰/۲۱۵**	۰/۱۸۶**	۰/۲۵**								
۶. عاطفه مثبت	۰/۳۰۳**	۰/۱۵۷**	۰/۱۶۹**	-۰/۴۲۱**	۰/۰۶۴						
۷. عاطفه منفی	۰/۲۳۹**	۰/۱۹۶**	۰/۲۳**	-۰/۴۶۵**	۰/۱۵۲**	۰/۵۰۶**					

1. Subjective Well-Being Questionnaire (SWBQ-13)

Relationship between personality traits and mental well-being mediated by early

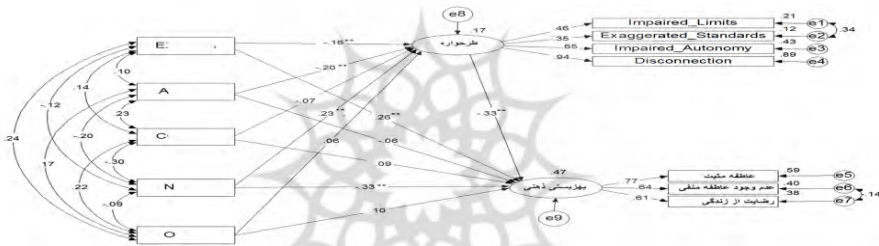
	۱	-۰/۴۷۵**	۰/۵۰۴**	۰/۱۳۹**	-۰/۲۵۸**	۰/۲۴۴**	۰/۱۳۴**	۰/۲۵**	۸. رضایت از زندگی
۱		-۰/۲۲۱**	۰/۱۴۲**	-۰/۱۳۷**	-۰/۰۷۳	۰/۱۹۳**	-۰/۲۲۲**	-۰/۱۵۲**	۹. حریم‌های
									آسیب دیده
۱	۰/۳۳۰**	-۰/۲۵۲**	-۰/۲۷۰**	-۰/۲۲۴**	-۰/۱۰۸*	۰/۳۰۰**	-۰/۲۰۱**	-۰/۱۱۶*	۱۰. خودمختاری
									آسیب دیده
	-۰/۴۰۲**	-۰/۲۵۹**	-۰/۳۱۷**	-۰/۰۴۵	۰/۲۷۷**	-۰/۱۶۷**	۰/۲۶۷**	-۰/۲۱۰**	۱۱. گسیختگی
									۰/۶۱۵**

بر اساس نتایج تحلیل همبستگی، متغیرهای سه گانه بهزیستی ذهنی رابطه منفی و معنادار با روان رنجورخویی و با سایر صفات شخصیت رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین، سه متغیر طرحواره‌ها نیز، با متغیرهای صفات شخصیت (به غیر از روان رنجورخویی) و بهزیستی ذهنی رابطه منفی را گزارش می‌کند. لذا، در این پژوهش برای روشن ساختن نقش میانجی‌گر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

از آنجا که مدل‌یابی معادلات ساختاری از دو قسمت مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده، بنابراین لازم بود تا مدل اندازه‌گیری پژوهش ارزیابی شود. به همین دلیل تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS 7.0 و برآورد پیشینه‌ی احتمال (ML) انجام شد. ارزیابی شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل با داده‌ها برازش ندارد. به همین دلیل به دنبال ارزیابی شاخص‌های اصلاح و ایجاد کوواریانس بین دو خطای مربوط به نشانگرهای حریم‌های آسیب‌دیده و معیارهای اغراق شده شاخص‌های اصلاح شده بهبود خواهد یافت ($p < ۰/۰۵$ ، $۵۰/۲۹ = \chi^2(N=۳۶۶, df=۱۲)$). بررسی دیگر شاخص‌های برازندگی نشان داد شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۵۶، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۳، شاخص نکویی برازش تطبیقی (AGFI) برابر با ۰/۹۲۷ و شاخص نکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۷۱ است و براین اساس چنین نتیجه‌گیری شد که مدل اندازه‌گیری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد و نشانگرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بهزیستی ذهنی از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون متناسب با خود برخوردارند.

پس از اطمینان از توان نشانگرها در اندازه‌گیری دو متغیر مکنون بهزیستی‌ذهنی و طرحواره ناسازگار اولیه، مدل ساختاری پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. بررسی شاخص‌های برازندگی نشان داد که منطبق بر انتظار، مجذورات بدست آمده نشان از عدم برازش

مدل با داده‌ها دارد ($\chi^2(N=366, df=36) = 148/44, p < 0/05$). اما به دلیل حساست بالای شاخص مجذrakای به حجم نمونه بالا، دیگر شاخص‌های برازندگی مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد مدل با داده‌ها برازش مطلوبی ندارد. بررسی دیگر شاخص‌های برازندگی نشان داد شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۱۶، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۷، شاخص نکویی برازش تطبیقی (AGFI) برابر با ۰/۹۰۷ و شاخص نکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۴۲ است و براین اساس چنین نتیجه‌گیری شد که مدل ساختاری همانند مدل اندازه‌گیری با داده‌ها برازش دارد و ابعاد صفات شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در قالب یک مدل بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی می‌کند. شکل ۱ ضرایب مجذور همبستگی‌های چندگانه، ضرایب مسیر و سطح معناداری آنها را نشان می‌دهد.



شکل ۱- ضرایب مجذور همبستگی‌های چندگانه، ضرایب مسیر و سطح معناداری آنها.

براساس مدل شکل فوق ۵ عامل بزرگ شخصیت در مجموع ۱۷ درصد از واریانس طرحواره‌ها و آنها در کنار هم ۴۷ درصد از واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کند. همچنان که در شکل ۱ دیده می‌شود، از یک سو از بین ضرایب مسیر بین صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی، ضرایب مسیر بین E و N و بهزیستی ذهنی و از سوی دیگر از بین ضرایب مسیر بین صفات شخصیت و طرحواره‌ها ضرایب مسیر بین عامل‌های E، N و A و طرحواره‌ها در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین ضریب مسیر بین طرحواره‌ها و بهزیستی ذهنی نیز معنادار است ($\beta = -0/347, p < 0/01$). جدول زیر ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین صفات شخصیت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بهزیستی ذهنی

مسیرها	پارامتر استاندارد	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم
	B	استاندارد	B	استاندارد
روان‌رنجورخویی - بهزیستی	-۰/۴۴۳ ^{***}	۰/۰۳۸	-۰/۳۵۰ ^{***}	۰/۰۹۳ ^{***}
برونگرایی - بهزیستی	۰/۳۲۲ ^{***}	۰/۰۳۹	۰/۲۶۴ ^{***}	۰/۰۵۸ ^{***}
گشودگی - بهزیستی	۰/۰۹۱	۰/۰۴۳	۰/۱۰۷ [*]	-۰/۰۱۶
سازگاری - بهزیستی	۰/۰۲۹	۰/۰۴۲	-۰/۰۴۶	۰/۰۷۵ ^{***}
روان‌رنجورخویی - طرحواره	۰/۲۶۷ ^{***}	۰/۰۴۸	-	-
برونگرایی - طرحواره	-۰/۱۶۶ ^{***}	۰/۰۴۹	-	-
گشودگی - طرحواره	۰/۰۴۶	۰/۰۴۳	-	-
سازگاری - طرحواره	-۰/۲۱۵ ^{***}	۰/۰۵۷	-	-
طرحواره- بهزیستی	-۰/۳۴۷ ^{***}	۰/۰۶۷	-	-

همچنان که در جدول ۲ دیده می‌شود ضریب مستقیم به مانند ضریب مسیر غیرمستقیم بین روان‌رنجورخویی و بهزیستی ذهنی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (ضرایب β به ترتیب برابر است با ۰/۳۵۰- و ۰/۰۹۳-). رابطه مستقیم و غیرمستقیم برونگرایی با بهزیستی ذهنی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (ضرایب β به ترتیب برابر است با ۰/۲۶۴ و ۰/۰۵۸). این مطلب گویای این موضوع است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه بین برونگرایی و بهزیستی ذهنی را از یک سو و رابطه بین روان‌رنجورخویی و بهزیستی ذهنی را از سوی دیگر میانجی‌گری می‌کند. همچنین مطابق با جدول فوق، تنها رابطه مستقیم بین گشودگی و بهزیستی ذهنی در سطح ۰/۰۵ معنادار و رابطه غیرمستقیم آنها معنادار نیست (ضرایب β ، ۰/۱۰۷ و ۰/۰۱۶-). در نهایت براساس نتایج جدول ۲ علیرغم عدم معناداری رابطه مستقیم و کل بین عامل سازگاری و بهزیستی ذهنی، رابطه غیر مستقیم آنها با میانجی‌گری طرحواره‌ها در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($p < ۰/۰۱$ ، $\beta = ۰/۰۷۵$).

بحث و نتیجه گیری

تحلیل و بررسی شاخص‌های برازش مدل پژوهش حاضر نشان داد که متغیرهای مکنون صفات شخصیت، برونگرایی، سازگاری و روان‌رنجورخویی، و متغیرهای مکنون طرحواره‌های ناسازگار اولیه، حریم‌های محدود شده، گسیختگی، خودمختاری آسیب دیده پیش‌بینی‌کننده‌های قابل قبول متغیرهای

مکنون بهزیستی ذهنی می‌باشند. به عبارتی دیگر، متغیرهای مکنون صفات شخصیت (به غیر از وظیفه-شناسی که به دلیل ضعیف بودن نمرات حذف شد) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در کل ۴۷ درصد از واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کنند. این یافته همسو با سایر پژوهش‌هایی است که در تبیین بهزیستی ذهنی، نقش صفات شخصیت، به خصوص برونگرایی و روان‌رنجورخویی را برجسته ساخته‌اند (استیل و همکاران، ۲۰۰۸؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۱۱؛ لامرز و همکاران، ۲۰۱۲؛ رومرو و همکاران، ۲۰۱۲). یافته‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که صفات شخصیت به تنهایی ۳۹ تا ۶۳ درصد واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کند (استیل و همکاران، ۲۰۰۸).

پژوهشگران توان بالای صفات شخصیت در تبیین بهزیستی ذهنی را به عوامل متعددی از جمله زمینه‌های بیولوژیکی و نورونی و نوروترانسمیترها نسبت داده‌اند. آمیگدال، یکی از مهمترین نواحی است که به هیجانات انسان مربوط می‌شود (پسوا، ۲۰۰۸). مطالعاتی نیز، نقش انتقال دهنده‌های عصبی (دوپامین و سروتونین) را در صفات شخصیت مورد بررسی قرار دادند. علاوه بر این، مسیرهای بیولوژیکی شخصیت نیز ممکن است بیان‌کننده سلامت روانی به صورت رفتاری باشد. افراد عصبی، حساسیت بیشتری نسبت به عاطفه منفی دارند، عموماً وقایع زندگی منفی بیشتری را تجربه می‌کنند و این احساسات منفی، سایر جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افراد برونگرا، عموماً وقایع مثبت بیشتری را در زندگی تجربه می‌کنند و تعاملات بیشتری نیز در موقعیت‌های اجتماعی دارند (لامرز و همکاران، ۲۰۱۲).

مدل مفهومی پژوهش حاضر، بیانگر آن است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه به صورت عکس می‌توانند بهزیستی ذهنی را تبیین نمایند. این یافته‌ها، همسو با نتایج پژوهش‌هایی است که نشان داده‌اند نمرات بالا در طرحواره‌های ناسازگار اولیه با بروز اختلالات روان‌شناختی همراه است که می‌تواند به صورت منفی بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی کند (دندلیجان، ۲۰۱۴؛ رنر، ۲۰۱۲؛ بورنز و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهشگران در تایید رابطه منفی طرحواره و بهزیستی ذهنی از یک طرف تعاریف عکس دو سازه به لحاظ مفهومی را مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر، به تجارب ناگوار دوران کودکی به عنوان زیرساخت‌های شناختی که منجر به تشکیل باورهای غیرمنطقی می‌شوند و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اشاره دارند. نتیجه منفی این افکار اغراق‌آمیز و باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد، وجود اختلالات روان‌شناختی مثل اضطراب، افسردگی است (ساوا، ۲۰۰۹). به گونه‌ای که افرادی که دارای طرحواره‌های منفی گرای و بدبینی هستند بیشتر به جنبه‌های منفی زندگی خود (مثل درد، مرگ، فقدان، ناامیدی و...) توجه نموده و نسبت به

جنبه‌های مثبت بی‌توجه هستند. از سوی دیگر، دینر و همکاران (بورنر و همکاران، ۲۰۱۱) حضور طولانی-مدت هیجانات منفی را در کاهش بهزیستی ذهنی و افزایش اختلالات روانشناختی گزارش داده‌اند. نتایج بررسی مدل پژوهش حاضر گویای داشتن رابطه مثبت روان‌رنجورخویی و طرحواره بود. این نتایج همسو با سایر پژوهش‌ها (تیم، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۰؛ بهرامی احسان و بهرام زاده، ۲۰۱۱) نشان دادند که همپوشی قابل توجهی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صفات شخصیت بخصوص روان‌رنجورخویی وجود دارد. پژوهشگران از یک سو، عامل خلق و خو را در شکل‌گیری طرحواره‌ها (هالورسون و همکاران، ۲۰۰۹) و از سوی دیگر، زمینه‌های بیولوژی مشترک (آمیگدال و هیپوکامپ) بین دو سازه را مطرح می‌کنند (لدوکس^۱، ۱۹۹۴).

تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که بر اساس نتایج پژوهش حاضر، عامل‌های برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، سازگاری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در تبیین بهزیستی ذهنی دارند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که با برگزاری دوره‌های آموزشی توسط متخصصین بهداشت روان در دانشگاهها، دانشجویان را بعنوان سازندگان جامعه با نقش تاثیر مثبت برون‌گرایی و کاهش منفی روان‌رنجورخویی بر بهزیستی ذهنی با شناخت طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نقش آن در صفات شخصیت و بهزیستی ذهنی، افراد را در داشتن سبک زندگی سالم یاری رسانند. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بی‌توجهی به برازش مدل‌های احتمالی دیگر با داده‌های پژوهش حاضر است. از این رو می‌توان نتایج پژوهش حاضر را به عنوان مطالعه اولیه‌ای تصور کرد که تکرار آن و داده‌های حاصل از آن با نمونه مستقل دیگر و آزمون چگونگی برازش مدل‌های رقیب با داده‌های بدست آمده می‌تواند از یک سو روابطی که در بین متغیرهای مکنون مورد مطالعه نشان داده شده را تأیید نماید و از سوی دیگر، می‌تواند دانش ما را نسبت به چگونگی برازش مدل‌های رقیب افزایش دهد.

منابع

- تقی لو، صادق؛ زارع بهرام آبادی، مهدی؛ آرین، عاصفه (۱۳۸۹). مقایسه صفات شخصیت بین زنان مدیر کارآفرین و زنان عادی شهرستان اصفهان، فصلنامه زن و بهداشت، ۳، ۵۴-۴۱.
- رفیعی، سحر؛ حاتمی، ابوالفضل؛ فروغی، علی اکبر. (۱۳۹۰). رابطه بین طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه و سبک دلپستگی در زنان
- دارای خیانت زناشویی. جامعه شناسی زنان، ۲(۱): ۲۱-۳۶.

1. LeDoux

شکری، امید؛ تقی لو، صادق؛ گراوند، فریبرز؛ پاییزی، مریم؛ مولایی، محمد؛ عبدالله پور، محمدآزاد؛ اکبری، هادی. (۱۳۸۷).

ساختار عاملی و ویژگیهای روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه مقابله با موقعیتهای استرس زا. تازه های علوم شناختی، ۱۰(۳)، ۲۲-۳۳.

شکری، امید؛ کدیور، پروین؛ دانشورپور، زهره. (۱۳۸۶). تفاوت های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی های شخصیت. روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳(۳): ۲۸۹-۲۸۰.

منتظری، محمدصادق؛ یداللهی باستانی، سوگل؛ حسینی، عاطفه (۱۳۹۱). رابطه پنج عامل شخصیت و طرحواره های ناسازگار اولیه. نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی.

یوسف نژاد شیروانی، مانده؛ پیوسته گر، زهرا (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرحواره های ناسازگار اولیه در دانشجویان. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲ (۴۴): ۶۵-۵۵.

Bahrami ehsan, H., Bahramizadeh, H. (2011). Early maladaptive schemas and agreeableness hn personality five factor model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 541-551.

Burns, R.A., Anstey, K.J., Windsor, T.D. (2011). Subjective well-being mediates the effects of resilience and mastery on depression and anxiety in a large community sample of young and middle-aged adults. *Australian and New Zealand Journal Of Psycholog* , 45, 240-248.

Dindelegan, C. (2014). The involvement of cognitive schemas in the manifestation of anxiety according to sex. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 127, 326-330.

Egan, V., Chan S, Shorter GW. The dark triad, happiness subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 2014; 67, 17-22

Garcia, D., Erlandsson, A. (2011). The relationship between personality and subjective well-being: Different association patterns when measuring the affective component in frequency and intensity. *Journal Happiness Stud*, 12, 1023- 1034.

Hoffart, A., Sexton, H., Hedley, L.M., Hovland, O.J., Holte, A. (2006). The structure of maladaptive schemas: A confirmatory factor analysis and a psychometric evaluation of factor-derived scales. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6): 627-644.

Halvorsen, M., Wang, C.E., Richter, J., Myrland, I., Pedersen, S.K., Eisemann, M., & Waterloo, K. (2009). *Early maladaptive schemas, temperament and character traits in clinically depressed and previously depressed subjects*. *Clin. Psychol. Psychother*, 16, 394-407

Kachadourian, L.K., Fincham, F., Davila, J. (2004). The tendency to forgive in dating and married couples :The role of attachment and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 11(3): 373-393.

Keyes, C.L.M., Shmotkin, D., Ryff, C.D. (2002). Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(6): 1007-1022.

Korotkove, D., Hannah, T.E. (2004). The fivefactor model of personality: strengths and limitations in predicting health status, sick-role and illness behaviour. *Personality and Individual Differences*, 36, 187-199.

Lamers, S.M.A., Westerhof, G.J., Kovacs, V., Bohlmeijer, E.T. (2012). Differential relationships in the association of the big five personality traits with positive mental health and psycho pathology. *Journal of Research in Personality*, 46, 517-524.

LeDoux J. Emotion, memory and the brain. (1994). *Scientific American*, 270(6): 50-57.

.Lent., R.W.(2004). toward a unifying theoretical and practical perspective on well-being and psychological adjustment, *Journal of counseling psychology*, 51(4): 482- 509.

Peltzer. K., Pengpid, S. (2013). Subjective happiness and health behavior among a sample of university students in India. *Social Behavior and Personality*, 41(6): 1045-1056.

Pessoa, L. (2008). On the relationship between emotion and cognition. *Nature Reviews Neuroscience*, 9, 148-158.

Relationship between personality traits and mental well-being mediated by early

- Rennre, F., Lobbestael, J., Peeters, F., Arntz, A., Huibers, M (2012). *Early maladaptive schemas in depressed patients: Stability and relation with depressive symptoms over the course of treatment.* Journal of Affective Disorders, 136, 581-590.
- Romero, E., Gomez-Franguela, J.A., Villar, P. (2012). Life aspirations, personality traits and subjective well-being in a Spanish sample. *European Journal of personality*, 26, 44-55.
- Sava, F.A. (2009). Maladaptive schemas irrational beliefs, and their relationship with the five-factor personality model. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 9 (2): 135-147.
- Steel, p., Schmidt, J., Shultz, J. (2008). Refining the relationship between personality and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 134, 138-161.
- Thimm, J.C. (2011). Incremental validity of maladaptive schemas over five-factor model facets in the prediction of personality disorder symptoms. *Personality and Individual Differences*, 50, 777-782.
- Thimm, J.C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *J. Behav. Ther. & Exp. Psychiat*, 41, 373-380.

